

Subject: Change the Battlefield from War to Constitution

April 30, 2026

Mr. President,

Tomorrow will mark another day of protest in Iran. Will it change the course of events by itself? Unfortunately, no.

Why? Because the crisis in Iran is not merely political, economic, or even military. It is constitutional.

Forty-seven years ago, Ayatollah Khomeini promised the Iranian people a secular and democratic order. While in exile in Paris, he publicly endorsed the drafting of a secular constitution prepared by his advisers. Yet after consolidating power through the 1979 referendum, he abandoned that promise and imposed the doctrine of Velayat-e Faqih—the absolute rule of the Supreme Jurist.

This constitutional transformation was the decisive moment in modern Iranian history. It institutionalized authoritarian rule and subordinated every promise of liberty, justice, and prosperity to ideological and clerical control. Article 5, which established Velayat-e Faqih, became the foundation of the regime's dictatorship.

Since then, every major protest in Iran—from the earliest uprisings, to the Green Movement, to the 2019 nationwide protests, to the Woman, Life, Freedom movement—has been, at its core, a rejection of this imposed constitutional order. The Iranian people are not merely protesting policies; they are resisting the constitutional structure that produces repression, corruption, and perpetual conflict.

Recognizing this reality, many Iranian intellectuals, activists, and opposition groups have spent the past two decades drafting alternative constitutional models for a free and democratic Iran. Their efforts have been echoed by numerous declarations and manifestos issued both inside and outside the country.

To align American policy with the aspirations of the Iranian people, Cyrus Force has distilled this movement into two fundamental demands:

First: A Constitutional Narrative. The Constitution of the Islamic Republic explicitly embeds hostility toward the United States and legitimizes the export of revolution. The United States has both the legal and moral standing to challenge those provisions and call for their removal. Such a position would empower the growing constitutional reform movement within Iran.

Second: Smart Sanctions. Rather than broad sanctions that often burden ordinary citizens, the United States should target and confiscate the vast overseas wealth of regime oligarchs—assets

looted from the Iranian people. These funds, estimated in the hundreds of billions of dollars, should ultimately be preserved for the reconstruction of a free Iran.

These two measures offer a peaceful and strategic alternative to war. They would shift the battlefield from military confrontation to constitutional transformation.

After decades of conflict, and amid the dangers of further regional escalation, this approach offers the clearest path to ending hostilities, securing the reopening of the Strait of Hormuz, and helping the Iranian people reclaim their future.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

www.CyrusForce.org

ترجمه فارسی

موضوع: میدان نبرد را از جنگ به قانون اساسی تغییر دهید

سی ام آوریل 2026

جناب آقای رئیس‌جمهور،

فردا روز دیگری از اعتراضات در ایران خواهد بود. آیا این اعتراضات به تنهایی مسیر حوادث را تغییر خواهد داد؟ متأسفانه خیر.

چرا؟ زیرا بحران ایران صرفاً سیاسی، اقتصادی یا نظامی نیست. در ژرفای خود، این بحران، بحرانی قانون اساسی است.

چهل و هفت سال پیش، آیت‌الله خمینی به مردم ایران آزادی، عدالت و حکومتی مبتنی بر قانون اساسی وعده داد. اما به جای تحقق امید به یک دموکراسی سکولار، نظریه «ولایت فقیه» را جایگزین آن کرد؛ اصلی که حاکمیت مطلق را به فقیه اعطا می‌کند. اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی، حکومت استبدادی را نهادینه کرد و به ریشه تمامی بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران تبدیل شد.

هر اعتراض بزرگ در ایران — از جنبش سبز تا قیام ابان 1398، و از جنبش زن، زندگی، آزادی تا اعتراضات امروز — در ماهیت خود، رد همین نظم قانون اساسی بوده است.

مردم ایران صرفاً به سیاست‌ها اعتراض نمی‌کنند؛ آنان به چارچوب حقوقی‌ای اعتراض دارند که آزادی، رفاه و حاکمیت ملی را از آنان سلب کرده است.

در دو دهه گذشته، بسیاری از اندیشمندان، فعالان و گروه‌های اپوزیسیون ایران این واقعیت را دریافته‌اند. از این رو، به‌جای صرفاً مخالفت با رژیم، به تدوین پیش‌نویس‌های جایگزین برای قانون اساسی یک ایران آزاد و دموکراتیک پرداخته‌اند.

برای همسو کردن سیاست آمریکا با خواست واقعی مردم ایران، سازمان سائرس فورس دو مطالبه بنیادین را مطرح کرده است:

1- به چالش کشیدن اصول خصمانه قانون اساسی ایران. برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، خصومت با آمریکا و صدور انقلاب و تروریسم را به صراحت نهادینه کرده‌اند. درخواست حذف این اصول، حمایت مستقیم از جنبش قانون اساسی مردم ایران خواهد بود.

2- اجرای تحریم‌های هوشمند. به جای تحریم‌های فراگیر که اغلب به مردم عادی آسیب می‌رساند، باید ثروت‌های هنگفت الیگارش‌های رژیم — که از مردم ایران به سرقت رفته و در خارج پنهان شده است — هدف قرار گیرد، مصادره شود و سرانجام برای بازسازی ایران به مردم بازگردانده شود.

این دو مطالبه، جایگزینی صلح‌آمیز و راهبردی برای جنگ ارائه می‌کنند. این رویکرد، میدان نبرد را از تقابل نظامی به تحول قانون اساسی منتقل می‌کند.

پس از دهه‌ها دشمنی و بی‌اعتمادی، این مسیر روشن‌ترین راه برای پایان دادن به خصومت‌ها، تأمین آزادی مردم ایران و بازگرداندن ثبات به منطقه است.

با احترام،

سهراب چمن‌آرا